

برایان تریسی

پیروزی

استفاده از اصول راهکارهای نظامی
برای دستیابی
به موفقیت‌های شغلی و زندگی شخصی

برگردان مهدی قراچه‌داغی

نشر آسیم

تهران، ۱۳۸۶

سرشناسه: تریسی، برایان، ۱۹۴۴ - م. Tracy, Brian
عنوان و نام پدیدآور: پیروزی، استفاده از اصول راهکارهای نظامی برای دستیابی
به موفقیت‌های شغلی و زندگی شخصی / برایان تریسی، برگردان مهدی قراچه‌داغی.
مشخصات نشر: تهران: آسیم، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۲۷۶ ص.

شابک: 978-964-418-335-5

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی:

Victory!

applying the proven principles of military..., c2002

یادداشت: کتاب حاضر در سال ۱۳۸۵ با عنوان «پیروزی، استفاده از اصول نظامی برای
موفقیت در زندگی و کار» توسط آزاده مبشر و زینب قاسمی طاری به فارسی ترجمه و
توسط انتشارات راشین منتشر شده است.

عنوان دیگر: پیروزی: استفاده از اصول نظامی برای موفقیت در زندگی و کار.

موضوع: موفقیت - جنبه‌های روانشناسی. / موفقیت در کسب و کار.

شناسه افزوده: قراچه‌داغی، مهدی، ۱۳۲۶ - مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۶ ۳۷ ت ۸ م / BF ۶۳۷

رده‌بندی دیویی: ۶۵۰/۱

شماره کتابشناسی ملی: 1049123

این کتاب برگردانی است از:

VICTORY!

Applying the Proven Principles of Military Strategy

to Achieve Success in Your Business and Personal Life

by

Brian Tracy

American Management Association, U.S.A., 2002

ویراستار: بهاره فیروزه

حروف‌نگار: مسعود عباسی

صفحه‌آرایی و اجرا: امیر عباسی

چاپ اول: ۱۳۸۶

شمار نسخه‌های این چاپ: ۳۰۰۰

حق چاپ برای نشر آسیم محفوظ است

چاپ: چاپخانه سهند

مرکز پخش: مؤسسه گسترش فرهنگ و مطالعات

تلفن و دورنگار: ۸۸۷۹۴۲۱۸ (خط ۸)

آدرس اینترنتی: www.mgfm.ir

فهرست

۱	پیشگفتار
۳	مقدمه
۱۱	فصل یک. اصل هدفمندی - شفافیت ضروری است
۳۵	فصل دو. اصل تهاجم - جرئت کنید و به پیش بروید
۵۵	فصل سه. اصل انبوه - نیروهایتان را متمرکز کنید
۷۵	فصل چهار. اصل مانور - همیشه انعطاف پذیر باقی بمانید
۹۵	فصل پنج. اصل کسب اطلاعات - به واقعیتها توجه کنید!
۱۱۷	فصل شش. اصل اقدام هماهنگ - فعالیتهای خود را هماهنگ کنید
۱۳۳	فصل هفت. اصل وحدت فرماندهی - شیرازه امور در دست یک نفر
۱۵۳	فصل هشت. اصل ساده سازی - از روش مستقیم استفاده کنید
۱۶۹	فصل نه. اصل امنیت - از منافع خود حراست کنید
۱۹۵	فصل ده. اصل صرفه جویی - در منابع خود صرفه جویی را رعایت کنید
۲۱۷	فصل یازده. اصل ایجاد شگفتی - کار غیرمنتظره بکنید
۲۴۱	فصل دوازده. اصل بهره برداری - پیگیری
۲۶۳	نتیجه گیری. مروری بر اصول راهکارهای نظامی

پیشگفتار

از ۱۵ سالگی، مجذوب فرماندهان نظامی بودم که می‌توانستند به موفقیت‌های چشمگیر نایل شوند. حتی شایع بود که ناپلئون بناپارت نسخه‌ای از کتاب هنر جنگ، اثر سان تزو، را همیشه با خود داشت و این کتاب رمز موفقیت‌های او در جبهه‌های نبرد بود و سبب شد که او یکی از بزرگ‌ترین ژنرال‌های تاریخ شود. در جریان کار با صدها شرکت و هزاران کارفرما و مدیر برجسته، به این نتیجه رسیده‌ام که مردان و زنان به شدت موفق خصیصه‌هایی شبیه رهبران بزرگ نظامی در اعصار مختلف دارند. آنها هم مانند فرماندهان نظامی از اصول موثقی استفاده می‌کنند تا با غلبه بر مشکلات به موفقیت‌های چشمگیر برسند. نتایج، معیار اثربخشی هستند. اما نتایج به تنهایی کفایت نمی‌کنند. نتایج باید در زمان مطلوب و به موقع به دست آیند. وقت بسیار گران‌بها و ارزشمند

است. باید از اوقات خود به نحو مطلوب استفاده کنیم.

هدف این کتاب معرفی بسیاری از ایده‌ها، نقطه نظرها و راهکارهایی است که مؤثرترین مردان و زنان در زمینه‌های مختلف از آن استفاده کرده‌اند. هدف این است ابزاری در اختیار شما قرار بگیرد که بتوانید از آن برای دستیابی به موفقیت در زندگی شخصی و شغلی بهره بگیرید.

درست همان‌طور که فرمانده‌ای که دارای بهترین سربازان و بهترین تجهیزات است نسبت به حریفان خود برتری دارد، کسی که به ابزار فکری برتر تجهیز باشد در جریان رقابت به پیروزی و موفقیت می‌رسد.

هدف من از نگارش این کتاب

این است که در وقت شما

برای دستیابی به نتایج مطلوب و هدفهای مهم

صرفه‌جویی کنم.

در صفحاتی که می‌خوانید، شما را با اصول نظامی آشنا می‌کنم که از آن به عنوان بهترین ابزار فکری برای دستیابی به موفقیت‌های عظیم استفاده کنید. می‌توانید از این ابزار در همه مدت عمر خود بهره بگیرید. می‌توانید از آنها برای رسیدن به پیروزی در هر کاری که دارید، استفاده کنید، و به سرعتی زیاد به موفقیت دست یابید.

مقدمه

روزی روزگاری، مرد جوانی از اهالی میدوست در خانه‌ای محقر در نیویورک زندگی می‌کرد و در یک شرکت بزرگ کار سطح پایین داشت. او در خانواده متوسطی بزرگ شده بود و تحصیلات دبیرستانی داشت. به خودش اعتماد و اطمینان نداشت و فکر نمی‌کرد بتواند در زندگی به موفقیت‌های بزرگ برسد. او در مدت سه سال، صبحها از خواب بیدار می‌شد، به سر کار می‌رفت، با تنی چند از دوستانش معاشرت می‌کرد و پذیرفته بود که زندگی چیزی بیش از این نیست.

روزی سر و کارش به مرد سالخورده‌ای افتاد که مدعی بود می‌تواند آینده را پیش‌بینی کند، و حتی از گذشته زندگی اشخاص خبر بدهد. مرد جوان و مرد سالخورده با هم آشنا شدند، و به صحبت نشستند.

یکی از روزها، مرد سالخورده به مرد جوان گفت به نظرش می‌رسد که او زمانی ناپلئون بناپارت بوده است. یکی از بزرگ‌ترین فرماندهان نظامی تاریخ بوده است. او به عنوان ناپلئون بناپارت در جزیره کورسیکا کارش را شروع کرده است. بسیار سخت‌کوش بوده و در ارتش فرانسه به مقام افسری رسیده است، و سرانجام امپراتور فرانسه شده است.

به نظر می‌رسید که مرد سالخورده از جزئیات زندگی مرد جوان در نقش ناپلئون آگاه است. او گفت که ناپلئون بناپارت در اروپا و مصر جنگ‌های بی‌شمار کرده و توانسته دولت فرانسه را متحول سازد و تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین فرماندهان نظامی تاریخ بشود.

مرد جوان با شک و تردید به صحبت‌های مرد سالخورده گوش داد. او واقعاً حرف‌های این غریبه را باور نمی‌کرد. هر چند از اینکه فکر می‌کرد او در تاریخ گذشته مردی قدرتمند بوده، خوشحال بود و به وجد آمده بود. با این حال، به مرور و با گذشت ایام مرد سالخورده مطالب بیشتری در این خصوص تعریف کرد. از منشیها، شخصیت و کیفیات رهبری در او حرف زد. و سرانجام، مرد جوان به این نتیجه رسید که مرد سالخورده حق دارد و او زمانی ناپلئون بناپارت بوده است.

از آن زمان به بعد، مرد جوان احساس کرد که از خصیصه‌های رهبری برخوردار است. او شروع به مطالعه در باره ناپلئون کرد. هرچه بیشتر ناپلئون را مطالعه کرد و کیفیات رهبری او را در نظر گرفت، بیشتر به این باور رسید که او هم از کیفیاتی شبیه ناپلئون برخوردار است.

بعد از آن، او در باره سایر ژنرال‌ها مطالعه کرد. تاریخ نظامی را خواند. در باره رهبری هم در کار و تجارت، و هم در جنگ مطالعه کرد. او بارها و بارها به این نتیجه رسید که دارای بسیاری از کیفیات رهبران است. او هرچه

بیشتر در باره کیفیات رهبران مطالعه کرد، بیشتر در کارش سعی کرد رفتار آنها را به نمایش بگذارد.

او داوطلب شد که مسئولیتهای بیشتری به او واگذار شود. او اوقات فراغت خود را صرف آموختن مهارتهای مختلف کرد. ابتکار عمل به خرج داد تا مسائل را حل و فصل کند، تصمیم بگیرد و به انجام گرفتن کارها در شرکتی که در آن کار می کرد کمک کند. به تدریج، تردیدها و ابهاماتی که در باره خود داشت به کنار رفتند و جای آنها را اعتماد به نفس و اطمینان خاطر گرفت.

سرپرستانش متوجه تغییرات او شدند. هر روزی که گذشت، مسئولیتهای بیشتری به او دادند. هر بار که از او خواستند کار بیشتری صورت دهد، از فرصت پیش آمده استفاده کرد. سعی نمود با تمام وجود وظایف محوله را انجام بدهد. در نتیجه بر علم و اطلاعاتش افزوده شد، تجربیات بیشتری کسب کرد. بر مبلغ حقوقش اضافه کردند و به دفعات به او ترفیع شغلی دادند.

وقتی سی ساله شد، با آن کسی که زمانی از میدوست آمده بود، تفاوتهای فراوان پیدا کرد. دیگر آن جوان خجالتی نبود. حالا مرد شجاعی بود که جسارت فراوان داشت. او بیش از پیش به شرکتش کمک کرد. و سرانجام، به مقامی برجسته در صنعت خود رسید.

حرکت به جلو

اینکه آیا داستانی که خواندید واقعیت دارد یا ندارد، مهم نیست. در سنی که از این حکایت می آموزیم این است: اگر مانند یک رهبر فکر و رفتار کنید، اگر رفتار رهبران بزرگ را بیاموزید و آنها را در زندگی خود به کار ببرید، در

کاری که می‌کنید به مقام رهبری می‌رسید. وقتی سر رشته امور زندگی‌تان را به طور کامل بر عهده گرفتید، در کار و زندگی خود به سرعت به حرکت درمی‌آیید.

در تمام تاریخ، برخی از بارزترین رهبران کسانی بوده‌اند که در سخت‌ترین شرایط به موفقیت‌های بزرگ رسیده‌اند. گاه تصمیم یک افسر سرنوشت یک حکومت را رقم زده است.

زندگی مدرن هم به نوعی یک جبهه نبرد است که در آن در کارتان به طور پیوسته با نیروهای رقیب و اغلب ناشناخته در نبرد هستید. با مسائل و بحرانهای پی در پی روبه‌رو می‌شوید، و در حالی که سربازان در جبهه‌های معدود و کم‌شمار نبرد می‌کنند، نبرد شما را پایانی متصور نیست.

دنایای نامطمئن ما حالا بیش از هر زمان محتاج رهبران خردمند است. شاید تصمیمی از این بهتر نباشد که بخواهید در کارتان، در خانواده، جامعه و در زندگی شخصی خود تبدیل به یک رهبر شوید. کار شما این است که قدم به جلو بردارید و سکان فرماندهی را به دست بگیرید. کار شما این است که قبول مسئولیت کنید و کارها را انجام بدهید.

موفقیت شما در زندگی تا حدود زیاد با توانمندی شما در کسب نتیجه تعیین می‌شود. هرچه بهتر فکر کنید، نتایج بهتری هم می‌گیرید. هرچه بیشتر مانند یک رهبر فکر کنید، بیشتر اقداماتی را می‌کنید که سایر رهبران برای رسیدن به نتایج دلخواه انجام می‌دهند.

رهبران نظامی طی قرون

در طی تاریخ، رهبران بزرگی را بررسی و نبردهایشان را تحلیل کرده‌ایم. هزاران مورخ و پژوهشگر بر آن بوده‌اند که مخارج مشترکی برای پیروزی یا

شکست در جبهه‌های نبرد پیدا کنند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که فرماندهان موفق بیشتر به خاطر شجاعت، سرعت، شگفت‌زده کردن و عزم جزم برای دستیابی به پیروزی موفق شده‌اند.

با دوازده راهکار اصولی و اولیه برای دستیابی به پیروزی و اجتناب از شکست روبه‌رو هستیم. هر یک از این اصول به تنهایی مسئول موفقیت‌ها یا شکست‌هایی بوده‌اند. هر کدام از اینها در کسب‌وکار و موفقیت‌های تجاری و شخصی هم کاربرد دارند.

این دوازده اصل، که این کتاب بر مبنای آنها نوشته شده است، عبارت‌اند از اصول هدفمندی، تهاجم، انبوه، مانور، کسب اطلاعات، اقدام هماهنگ، وحدت فرماندهی، ساده‌سازی، امنیت، صرفه‌جویی، شگفت‌زدگی و بهره‌برداری. در یک رقابت شدید، رعایت نکردن هر یک از این اصول می‌تواند به شکست و ناکامی منتهی گردد.

هدف شما به عنوان یک کارفرما، یک مدیر برجسته، یک حرفه‌ای در فروش، یک والد، یک کارمند و یک عضو کمیته این است که این اصول را بیاموزید و آنها را در تجارت خود لحاظ کنید. این کتاب به شما نشان می‌دهد که چگونه می‌توانید هر یک از این راهکارها را برای رسیدن به نتایج بهتر مورد استفاده قرار بدهید. اینها راه موفقیت را به شما نشان می‌دهند.

مورد استفاده ضریب افزایش نیرو

دوازده اصل راهکار نظامی اغلب پیروزی‌ها و یا هر شکست، موفقیت و یا ناکامی را در زندگی تجاری و شخصی توضیح می‌دهند. از اینها که بگذریم، با موضوع ضریب افزایش نیرو روبه‌رو هستیم که می‌تواند از میزان مشکلات

بکاهد و بر احتمال موفقیت در یک موقعیت رقابتی بیفزاید. ضریب افزایش نیرو به نیروی کوچک‌تر امکان می‌دهد که بر قدرت کوبندگی خود بیفزاید و پیروزی را میسر سازد.

با به کار بردن یک یا چند ضریب افزایش نیرو در موقعیت خود، می‌توانید به امتیازات و موفقیت‌هایی دست پیدا کنید تا دشمن خود را شکست بدهید، و یا بهتر از رقبای خود ظاهر شوید. برخی از این ضرایب افزایش نیرو عبارت‌اند از:

- دانش برتر
- مهارت بیشتر
- خوش‌بینی
- اعتماد و اطمینان
- روحیه زیاد
- خلاقیت و نوآوری
- توانایی دقیق شدن و تمرکز پیدا کردن روی هدف‌های اصلی
- وحدت‌های راهبردی
- روابط عالی با سازمانها و اشخاص کلیدی
- ارتباط عالی میان همه اشخاص درگیر
- رهبری برتر در تمامی سطوح

اینها جملگی عواملی هستند که می‌توانید آنها را در زندگی و تجارت خود مورد استفاده قرار بدهید. چند مورد از آنها را پیشاپیش مورد استفاده قرار می‌دهید؟

آینده شما نامحدود است

هر یک از اصول راهکارهای نظامی را می‌توان آموخت، هر یک از ضرایب افزایش نیرو را می‌توان رشد و توسعه داد. این به شما کمک می‌کند که بر اثربخشی خود و سازمانتان پیفزایید.

درست همان طور که به افسران جوان آموزش می‌دهند که بر اساس و مطابق با این اصول و ضریب افزایش نیرو در آکادمیهای متعدد نظامی فکر و عمل کنند، شما هم می‌توانید این اصول را بیاموزید و از آنها در زندگی روزانه خود استفاده کنید.

در زندگی شخصی و شغلی، ممکن است وضع به اندازه جبهه نبرد نظامی حساس نباشد. با این حال، مردان و زنانی که به نتایج مهم می‌رسند آنهايي هستند که مسئوليتها و موقعيتهاي خود را جدی می‌گیرند. هیچ کاری را به شانس و بخت و اقبال واگذار نمی‌کنند. آنها مطالعه می‌کنند و خود را آماده می‌سازند تا در جبهه‌های حساس کار و زندگی به موفقیت برسند.

هدف شما صرفاً داشتن یک زندگی باری به هر جهت نیست. هدفتان این است که زندگی عالی داشته باشید. هدفتان این است که به حداکثر توانمندیهای خود برسید. به هر کسی که توانش را دارید، تبدیل شوید.

اشتباه بزرگی که اغلب اشخاص می‌کنند این است که نکته مهمی را متوجه نیستند: نمی‌خواهند برای رسیدن به سطح برترینها متعهد شوند. سطح زندگی عادی و پیش پا افتاده را انتخاب می‌کنند و کارشان به شکست می‌کشد.

این کتاب برای اشخاص بلندپرواز، پرنرزی، مصمم و موفق‌گرا نوشته شده است، از مدیران برجسته گرفته تا کارفرمایان، حرفه‌ایها و سایر رهبران تجاری و همه مردم در شرایط مختلف زندگی، کسانی که مطلقاً و با تمام نیرو مصمم‌اند که

در کار و زندگی خود به موفقیت برسند.

در صفحاتی که در پیش دارید، می‌آموزید که راهکارهای مهم نظامی را در کار و زندگی خود لحاظ کنید. می‌آموزید که اندیشه و عمل راهبردی داشته باشید، به استعدادها و توانمندیهایتان بها بدهید، از فرصتهای مطلوب استفاده کنید، در برابر ناملایمات بایستید، با دیگران کار مؤثرتر بکنید و همه توانمندیهای خود را برای رسیدن به موفقیت‌های گوناگون بسیج کنید. می‌آموزید در هر کاری که می‌کنید به موفقیت شخصی برسید. می‌آموزید که در جبهه‌های مهم موفق شوید. می‌آموزید در عرض چند سال به اندازه یک عمر دیگران کسب موفقیت کنید.